

پیشگفتار

توسعه کشاورزی، همانند واژه «توسعه» در گذر زمان دچار تحول بنیادین شده است. به طوری که امروز از آن به عنوان «توسعه کشاورزی پایدار» یاد می‌شود. این تحول را می‌توان در سه برهه زمانی در بعد اندیشه‌ای، روش‌شناختی و برنامه‌ریزی ملاحظه کرد:

الف) تحول اندیشه‌ای

تحول نخست که از قبل از دهه 1950 شروع شده و تا میانه دهه 1980 استمرار داشت، به نام مسیر و شیوه تولیدگرایی¹ معروف است. از ویژگیهای آن می‌توان به استمرار نوسازی، صنعتی شدن کشاورزی با تأکید بر افزایش تولید یا ستانده‌های مزرعه اشاره کرد. دومین تحول که از میانه دهه 1980 شروع گردید و تا هزاره سوم استمرار داشت، به نام مسیر فراتولیدگرایی² معروف است. ادغام کشاورزی با اقتصاد روستایی و اهداف محیطی از ویژگیهای بارز آن به شمار می‌رود که عموماً به افزایش کیفیت محصول بیش از افزایش کمی (بازده در واحد سطح) آن اهمیت می‌دهد. سومین تحول که از هزاره سوم آغاز شده و استمرار دارد با عنایت به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و اکولوژی کشورها و سطوح توسعه‌یافتگی کشاورزی در مناطق جهان، هر دو شیوه تولیدگرایی یا فراتولیدگرایی را با لحاظ ظرفیت منابع طبیعی و حمایت از نظام حیات یا اکوسیستم مدنظر قرار می‌دهد و البته با در نظر گرفتن مواردی از قبیل: رشد جمعیت فعلی و آینده به منظور فراهم کردن تقاضای روزافزون مواد غذایی سالم و مغذی، حفظ منابع طبیعی پایه برای ارزیابی و نظارت کارا و سالم محیطی و حفظ و ارتقای کیفیت بالای زندگی روستایی و محیطهای کشاورزی، و حفظ منافع کشاورزی با لحاظ کیفیت استانداردهای عمومی محیطی. در این شیوه سه هدف درازمدت همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند:

1) پایداری محیطی³: در این بعد، ظرفیت یک نظام کشاورزی برای بازتولید در آینده بدون پذیرش آلودگی، تهی‌سازی و یا تخریب فیزیکی منابع طبیعی همانند آب و خاک و زیست‌بومهای طبیعی و غیرطبیعی مدنظر قرار می‌گیرد.

2) پایداری اجتماعی - اقتصادی⁴: در این بعد، ظرفیت یک نظام کشاورزی به منظور فراهم کردن یک سود برگشتی قابل قبول برای شاغلین در نظام تولید (بهره‌برداری کشاورزی) مورد توجه قرار می‌گیرد.

3) پایداری تولید⁵: در این بعد، ظرفیت یک نظام کشاورزی برای عرضه غذای کافی برای حمایت از جمعیت غیرکشاورز مورد نظر است.

بدین ترتیب می‌توان گفت تحول سوم، که کشاورزی جایگزین یا پایدار⁶ نام دارد و در آن به تأثیر متقابل

1. Productivist Phase

2. Post Productivist Phase

3. Environmental Sustainability

4. Socio-economic Sustainability

5. Productive Sustainability

6. Alternative/Sustainable Agriculture

اکولوژی با کشاورزی و مردم تأکید می‌شود، ایجاد درآمد کافی برای افراد کم‌درآمد، افزایش قابلیت دسترسی به غذا و مصرف آن، و حفظ و بهبود منابع طبیعی به عنوان سه هدف بنیادین اهمیت داده شده است. در واقع به رغم تحول در مفهوم توسعه کشاورزی می‌توان این نتیجه را گرفت که در مفهوم آن، پیشرفت و افزایش بهره‌وری و کمک به اقتصاد ملی مدنظر است که به طور مرسوم می‌توان آن را در چهار محور که در چهارچوب مشارکت کشاورزی به عنوان «سهام بازار و سهم عامل» یاد می‌شود، خلاصه کرد:

- 1) عرضه مواد غذایی و مواد خام به بخشهای دیگر در حال گسترش اقتصاد؛
- 2) فراهم ساختن مزاد قابل سرمایه‌گذاری به شکل پس‌انداز و مالیات برای تأمین سرمایه‌گذاری در بخشهای دیگر در حال گسترش؛
- 3) فروش نقدی یک «مزد قابل عرضه»، که تقاضای جمعیت روستایی برای محصولات بخشهای دیگر در حال گسترش را افزایش دهد؛
- 4) کاهش محدودیت ارزی با تحصیل ارز خارجی از طریق صادرات یا با صرفه‌جویی ارز خارجی از طریق جایگزینی واردات.

به طور خلاصه می‌توان نقش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را در پنج محور محیطی (مدیریت منابع طبیعی)، اجتماعی (عدالت و ثبات)، امنیت غذایی (نیازهای راهبردی و رضایت مردم)، اقتصادی (رشد پایدار، اشتغال)، و فرهنگی (میراث فرهنگی) به شرح جدول 1 جمع‌بندی کرد:

جدول 1 نقش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه

نقش فرهنگی (میراث فرهنگی)	اقتصادی (رشد پایدار، اشتغال)	امنیت غذایی (خشکسودی مردم و نیازهای راهبردی)	اجتماعی (عدالت و ثبات)	محیطی (مدیریت منابع طبیعی)
جهانی	تنوع فرهنگی	رشد	امنیت غذایی	ثبات اجتماعی
منطقه‌ای و ملی	چشم‌انداز، میراث فرهنگی و تنوع سرمایه اجتماعی	ثبات اقتصادی: آثار اشتغال (ایجاد امنیت ملی)	تعدیل بخشی به مهاجرت، ثبات اجتماعی (بهبود و آثاری پشتیبانی در زمانهای بحرانی و تعارضها و اپیدمیها)	بهبود اکوسیستم: کاهش تغییرات آب و هوا (تجزیه کربن، پوشش زمین... تنوع زیستی: کشاورزی و حیات وحش)
		دسترسی به غذا	تعدیل بخشی به مهاجرت، ثبات اجتماعی (بهبود و آثاری پشتیبانی در زمانهای بحرانی و تعارضها و اپیدمیها)	بهبود اکوسیستم: حفاظت از خاک (فرسایش خاک، شورشدگی یا نمکی شدن... نگهداشت آب (آثار ذخیره‌سازی آبهای زیرزمینی، جلوگیری از سیلابها)
		سلامتی غذا	تعدیل بخشی به مهاجرت، ثبات اجتماعی (بهبود و آثاری پشتیبانی در زمانهای بحرانی و تعارضها و اپیدمیها)	بهبود اکوسیستم: حفاظت از خاک (فرسایش خاک، شورشدگی یا نمکی شدن... نگهداشت آب (آثار ذخیره‌سازی آبهای زیرزمینی، جلوگیری از سیلابها)
		گردشگری	تعدیل بخشی به مهاجرت، ثبات اجتماعی (بهبود و آثاری پشتیبانی در زمانهای بحرانی و تعارضها و اپیدمیها)	بهبود اکوسیستم: حفاظت از خاک (فرسایش خاک، شورشدگی یا نمکی شدن... نگهداشت آب (آثار ذخیره‌سازی آبهای زیرزمینی، جلوگیری از سیلابها)

ادامه جدول ۱

نقش / سطح	فرهنگی (میراث فرهنگی)	اقتصادی (رشد پایدار، اشتغال)	امنیت غذایی (خشنودی مردم و نیازهای راهبردی)	اجتماعی (عدالت و ثبات)	محیطی (مدیریت منابع طبیعی)
				بیکاری و نقش سپر و حفاظتی در زمان بحرانی سرمایه اجتماعی کاهش فقر (عدالت)، روابط جنسی	ریزشها (تنوع زیستی): (کشاورزی و حیات وحش) کاهش آلودگی (آب، هوا و خاک)
محلی	چشم‌انداز دانش بومی، محلی، تکنولوژی سوم	آثار اشتغال بر بخشهای دوم و سوم فعالیتهای اقتصادی	امنیت غذایی در سطح خانوار و محلی	در آثار ثبات اجتماعی در سطح جامعه روستایی (احیای نواحی روستایی از طریق اشتغال کشاورزی و روستایی) ارزشهای خاک)	حفاظت خاک از فرسایش و شورشدگی، تنوع زیستی، حفظ ذخایر آب، کاهش آلودگی (آب، هوا و روستایی) ارزشهای خاک) خانوار، روابط جنسی

ب) تحول روش شناختی

امروزه در میان متخصصان توسعه اعم از توسعه روستایی و کشاورزی، این مسأله به عنوان یک شیوه غالب پذیرفته شده است که در کانون تحقیقات شیوه مشارکتی از مشارکت و درگیر بودن کشاورزان در فرایند نوآوری، حل مسأله، تصمیم‌گیری و ابتکارات توسعه به عنوان عنصر کلیدی یاد می‌شود. در این شیوه، رویکردی مشارکتی و چندرشته‌ای با متغیرهای کلیدی چون فروض علم‌شناسی، اهداف تحقیق، انواع مشارکت، نقش بازیگران محلی (کشاورزان، بهره‌برداران، مردم محلی)، میزان درگیری و مشارکت بازیگران، شیوه‌ها، فرایندها و روشهای تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد که در متون توسعه آنها را می‌توان به لحاظ تحولی در چهار الگوی تحقیق تقسیم‌بندی کرد:

- 1) رویکرد تغییر تکنولوژی
- 2) کشاورز، نخست (اولویت اول)
- 3) آموزش و یادگیری مشارکتی و اقدام پژوهشی
- 4) تحقیق مبتنی بر مدیریت کشاورز

رویکرد نخست مدلی خطی است که چشم‌انداز توسعه مبتنی بر نوسازی بوده و بر اساس پارادایم علم اثبات‌گرایی سه بازیگر اصلی، محققان (مسئولان اصلی فراهم‌کننده نتایج اعتبار علمی تحقیقات)، مروجان (عاملان تغییر و انتقال‌دهندگان پیام به کشاورزان) و کشاورزان (نقش تعدیل‌کننده و سازگارکننده و یا ردکننده نوآوری در کشاورزی) استوار است. این در حالی است که در رویکرد مشارکتی، شیوه انتقال فناوری

و اطلاعات از کشاورزان به دست می‌آید و محققان آن را تحلیل می‌کنند. رویکرد کشاورز نخست، تأکید بر مشارکت کشاورزان در تعمیم، آزمون و ارزیابی فناوری به منظور پیشرفت تولید کشاورزی پایدار دارد. انتظار از تحقیق مشارکتی کشاورزان این است که به عنوان مثال، تعمیم و سازگاری فناوری جدید از طریق کشاورزان و بهره‌برداران کوچک به افزایش بهره‌وری مزرعه و درآمد منجر گردد. در این رویکرد محققان به عنوان جمع‌آوری‌کنندگان اطلاعات، مستندسازان دانش مردم روستایی برای تدوین برنامه و کمک به مدیریت کشاورزی، نقش بازی می‌کنند. این در حالی است که کشاورزان نقش اصلی را در تدوین برنامه و اجرای آن به عهده دارند.

رویکرد آموزش و یادگیری مشارکتی و اقدام پژوهشی مبتنی بر چشم‌انداز ساختارگرایی است و بر فرایند یادگیری چندجانبه تأکید دارد. متخصصان برای گسترش دانش در سطوح مختلف جامعه به مردم کمک می‌کنند. این رویکرد که با تشریح مساعی (مذاکره، گفت‌وگو و توانمندسازی) همراه است به تخصص‌گرایی ویژه نیاز دارد تا بتواند میان اهداف متفاوت و علاقه‌مندیهای متعارض میان بازیگران و دانش محلی که به صورت پراکنده و گسترده است، همسویی و پیوستگی و اجماع نظر ایجاد کند. در واقع این رویکرد که با یادگیری توأم با عمل در یک چرخه کنش و واکنش برای ایجاد یک دانش تجربی همراه است، به آموزش اجتماعی و روش‌شناختی نظامهای نرم‌افزاری نیز معروف است.

و سرانجام در رویکرد تحقیقات مبتنی بر مدیریت توسط کشاورزان، سازمانهای محلی به عنوان شبکه‌های ارتباطی نهادها یا کارآفرینان در مدیریت منابع، آغازکنندگان تماس و ملاقات با فراهم‌کنندگان خدمات تحقیق برای برطرف کردن موانع ویژه به شمار می‌روند. در واقع سازمانهای مردمی به مثابه خدمات‌رسانان به ارباب رجوع یا فراهم‌کنندگان خدمات خارجی عمل می‌کنند. در این رویکرد مردم محلی (کشاورزان) قدرت و جایگاه بالایی دارند و نوآوری از طریق بیرونیها تعمیم داده شود.

ج) تحول برنامه‌ریزی

تحقیقات کشاورزی برای تولید آینده، بهره‌وری و امنیت غذایی و بسترسازی برنامه‌ریزی، یک سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود. برنامه‌ریزی در کشاورزی نیز با هدف، هدایت سرمایه‌گذاریها برای بهبود تولید و اثربخشی هزینه‌ها مرسوم است. برنامه‌ریزی مانند اندیشه و روش‌شناسی توسعه، دچار تحول شده و با عنایت به موضوعات و ساختارها و سطوح سازمانها از رویکردهای مختلفی برخوردار است که یا طیفی از برنامه‌ریزی کشاورزی متمرکز، عملگرا، راهبردی، نظام‌مند، مشارکتی، غیرمتمرکز و منطقه‌ای و محلی را در برمی‌گیرد و یا طیفی از پرسشهایی که در مورد مسائل کشاورزی طرح می‌شود؛ که برطرف کردن هرج و مرج و بی‌نظمی، و اندیشه راهبردی، نمونه‌ای از آنهاست. افزون بر این، دلایل ضرورت انجام برنامه‌ریزی در کشاورزی هم متفاوت است که مواردی از قبیل پویایی محیط خارجی، سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و چگونگی استفاده از صندوقهای اعتباری خارجی و داخلی را در بر می‌گیرد و به لحاظ زمانی و شیوه‌های برنامه‌ریزی می‌توان آن را به سنتی و جدید تقسیم‌بندی کرد.

جدول ۲ انواع رویکردها

معیارها	رویکردها	مدیریت توسط کشاورزان	تغییر فناوری	کشاورز نخست	تحقیق مبتنی بر آموزش و یادگیری و اقدام پژوهی
فروض مرتبط با نوآوری توسعه	<ul style="list-style-type: none"> - سازمانها، شبکه‌های ارتباطی نهادهای کارآفرینان در مورد مدیریت منابع به‌شمار می‌روند. آنها آغازکننده تماسها با فراهم‌کنندگان خدمات برای برطرف کردن موانع هستند. - گروهها تمهد و پاسخگویی و نظارت را به عهده دارند. - نوآوری ایجادکننده درآمدهای نقدی است. 	<ul style="list-style-type: none"> - نظامهای همگن اجتماعی با هر کدام از نوآوریها با همدیگر از عدالت نسبی برخوردارند. - نوآوری نتیجه فرایند خطی که توسط دانش علمی به‌صورت تجربیه به‌کارگرفته می‌شود. - بخش نوآوری در میان کشاورزان نوآور سایر کشاورزان متفاوت است. 	<ul style="list-style-type: none"> - اهداف مشترک، علاقه‌مندیها و قدرت میان کشاورزان و جوامع - سهام مشترک و یکسان، - نظام‌مند شده، دانش محلی برای تحلیل و پیوستگی و تشکیل اتحادیه‌ها و... - اذعان به اینکه کشاورزان دارای توان، افکار و ایده گسترش نوآوری هستند. 	<ul style="list-style-type: none"> - تفاوت علاقه‌مندیها، اهداف، قدرت دسترسی به منابع میان بازیگران و شبکه‌ها - چندلایه‌ای، پراکنش، پخش بودن دانش و در عین حال پیچیده بودن آن - نامناسب بودن نااستمراری کنش متقابل میان بازیگران (محلیها و بیرونیها) و شبکه‌ها - نوآوری نتیجه کنش متقابل میان بازیگران مختلف به عنوان مشارکت مکمل 	
اهداف و چالشها	<ul style="list-style-type: none"> - از نظر کشاورزان: حل موانع تولید - از نظر محققان/ کارآفرینان: تولید درآمد 	<ul style="list-style-type: none"> - سازگاری گسترده فناوری از جمله برای امنیت غذایی در سطح ملی، رشد اقتصادی حفاظت منابع طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش انتخابهای منابع کشاورزان فقیر از طریق تنوع بخشی محیطی خلاق و کاملتر کردن آن 	<ul style="list-style-type: none"> - توانمندسازی و ساخت سرمایه اجتماعی، استمرار فرایند سازگاری و حل مسأله - ساخت برشهایی از ویژگیها و شرایط ذی‌نفع از طریق مذاکره فرایندهای یادگیری به منظور دستیابی به جایگاه واقعی 	

ادامه جدول 2

رویکردها معیارها	مدیریت توسط کشاورزان	تغییر فناوری	کشاورز نخست	تحقیق مبتنی بر آموزش و یادگیری و اقدام پژوهی
انواع مشارکتها	- کشاورزان کارآفرین، پیشرو، مبتکر - مشاوره‌ای - قراردادی	- محققان مبتکر، خلاق، پیشرو - قراردادی، مشاوره‌ای	- محققان مبتکر، خلاق و پیشرو - مشاوره‌ای، تشریک مساعی	- محققان / اجتماع محلی مبتکر، خلاق، پیشرو، تشریک مساعی، دانش پژوهان (دانشگاهها)
بازیگران و ذینفعها	- تولید مبتنی بر سازمانها، تعاونیها - تحقیق بنگاهی و کارآفرینی	- تحقیق، ترویج، افراد، کشاورزان نوآور و پیشرو	- تحقیق / ترویج، کشاورزان، اجتماع محلی	- تنوع ذی‌نفعها اعم از محلی و بیرونی (کشاورزان مردان، زنان، بازرگانان، محققان، مروجان، تصمیم‌گیران)
نقش بازیگران محلی	- خدمات‌رسانی به مشتریان و تولیدکنندگان به وسیله فراهم‌کنندگان خدمات	- بنگاههای خیریه‌ای یا موقوفاتی، گروههای هدف، فراهم‌کنندگان نیروی کار، زمین برای تحقیقات مزرعه	- مشارکت‌کنندگان فعال یا تأثیرپذیران غیرفعال	- محققان مبتکر، مشارکت‌کنندگان (بازیگران و مشارکت‌کنندگان در فرایند یادگیری و اقدام)
نقش بازیگران بیرونی	- گسترش حل مسأله که توسط نمایندگان تدوین و تعریف می‌شود (خدمات‌رسانان)	- گسترش و انتقال پیامها و فناوریها	- جمع‌آوری‌کنندگان اطلاعات دانش مردم روستایی - برنامه‌ریزان مداخله‌گر، مدیران اجرائی، تسهیلگران، مبتکران	- تسهیلگران، مبتکران، فراهم‌کنندگان فرصتها و پشتیبانی روش‌شناسی، بازیگران آگاه و آشنا

ادامه جدول ۲

تحقیق مبتنی بر آموزش و یادگیری و اقدام پژوهی	کشاورز نخست	تغییر فناوری	مدیریت توسط کشاورزان	رویکردها معیارها
<ul style="list-style-type: none"> - تکرار حلقه‌های کنش و واکنش در یک فرایند یادگیری جمعی - توسعه برنامه، سازگاری مدیریت، اجرای تدریجی توسط محلیها - تشریح مساعی از طریق مذاکره، گفت‌وگو در میان گروههای ذینفع - استمرار ارزیابی داخلی 	<ul style="list-style-type: none"> - کشاورزان نیازها و اولویتها را تعیین می‌کنند و تسهیلگری توسط بیرونها - راه‌حل اجماع در اجتماعی محلی یا کشاورزان برای شناخت مسائل - مدیریت مداخله‌ای، طراحی راه‌حل و برنامه‌ریزی توسط بیرونها با مشارکت کشاورزان در برنامه‌ریزی و اجرا 	<ul style="list-style-type: none"> - فرایند بالا به پایین - برنامه ایستا، با سرعت و گستردگی اجرایی - تعیین نیازها، اولویتها توسط بیرونها - خطی و روشن بودن مراحل تحقیق - فهرست ثابت - ارزیابی متفاوت توسط بیرونها 	<ul style="list-style-type: none"> - فرایند منطقی از پایین به بالا - مردم، ارباب رجوع تنظیم‌کننده تقاضاکننده تقاضا - ارزیابی توسط مردم (ارباب رجوع) 	<p>روشها، اقدامها</p>
<ul style="list-style-type: none"> - نظامهای نرم‌افزاری یادگیری و تحقیق اقدام پژوهی، تحلیل ذی‌نفعها، FPR, PAR, PTD, PRA - تجربیات کشاورزان غیررسمی، مطالعات تطبیقی موردی 	<ul style="list-style-type: none"> - روش تحقیق رسمی/(مرسوم)، FSR, RRA و برخی مواقع PTD, FPR, PRA و GA 	<ul style="list-style-type: none"> - نظامهای تحقق نرم‌افزاری و (FSR, AEA, RRA) 	<ul style="list-style-type: none"> - نظامهای تحقق سخت‌افزاری آزمایشگاهی، تحقیقات در مزرعه 	<p>روشهای تحقیق</p>

جدول ۳ مقایسه رویکردهای برنامه‌ریزی

مدلهای برنامه‌ریزی سنتی	رویکردهای برنامه‌ریزی جدید
تمرکزگرا	غیرمتمرکز (تمرکززدایی)
سلسله مراتبی	مشارکتی
پذیرش (دستوری)	خویش‌فرمایی
منبع‌گرا	هدف‌گرا
تأکید بر درونی بودن	جهت‌گیری خارجی (محیط خارجی)
افق بلندمدت	افق کوتاه‌مدت
فراموشی اجرا	اجرا کلید اصلی موضوعات

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت یکی از موضوعات کلیدی در توسعه کشاورزی (کلاسیک / جدید) فرایند یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی است، که در اغلب کشورها در دوره زمانی خاص و با عنایت خاص به سطح توسعه‌یافتگی برای تغییر ساختار نظام مدیریت مزرعه - از منشأ آب تا مزرعه و داخل مزرعه - و نظام مدیریت منابع آب و خاک به عنوان یک ضرورت تلقی گردید تا در مورد عقلانی کردن بهره‌برداریه‌ها و افزایش بهره‌وری و کاهش فقر و امنیت غذایی و در نهایت دستیابی به توسعه روستایی و توسعه کشاورزی پاسخگو باشد و بتواند به پیشرفت توسعه ملی در چهارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی با رویکرد مشارکتی از طریق بهبود وضع محیط زندگی روستایی کمک نماید. با این رویکرد، کتاب توسعه کشاورزی (اصول و مبانی، روش‌شناسی، برنامه‌ریزی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی)، که حاصل تجربیات علمی و تجربی پانزده ساله نگارنده است، تدوین گردید، تا بتواند به انتخاب و اجرای راهبردها، سیاستها و الگوهای کشاورزی در ایران، به وسیله شناخت پدیده پراکنش زمینهای کشاورزی و روش تحقیق و شیوه‌های برنامه‌ریزی و ارزیابی آن کمک کند. کتاب در هشت فصل و یک مقدمه تنظیم شده است. در مقدمه، به طرح و ضرورت یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی پرداخته و در فصل اول تعاریف یکپارچه‌سازی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در فصل دوم، ارتباط اصلاحات اراضی با توسعه روستایی و کشاورزی مورد توجه قرار می‌گیرد. در فصل سوم، ارتباط یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با اصلاحات ارضی تحلیل می‌شود. در فصل چهارم، دیدگاهها و رویکردهای یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی به نقد و تحلیل کشیده می‌شود و در فصل پنجم، اهمیت مطالعات فرایند یکپارچه‌سازی از دیدگاه علوم جغرافیایی مورد نقد قرار می‌گیرد. در فصل ششم روش تحقیق در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی از دیدگاه و شیوه میدانی به بحث گذارده شده است و در فصل هفتم، فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در چهارچوب برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و برنامه عمل مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام در فصل هشتم شیوه‌های ارزیابی طرحهای یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعه هشت فصل کتاب، این نگرش را تقویت می‌کند که فرایند شناخت هر مسأله و پدیده و حل آن بر سه اصل بنیادین آشنایی با اندیشه و مبانی فکری آن موضوع و پدیده (فصل اول تا پنجم)، روش شناختی آن (فصل ششم)، و برنامه‌ریزی و ارزیابی (فصل هفتم و هشتم) مبتنی است و شناخت فرایندها و پدیده‌ها و موضوع یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی نیز از این اصول خارج نیست و در این چهارچوب است که ارتباط موضوع با تحول توسعه کشاورزی در ابعاد سه‌گانه‌ای که در سطور قبلی به آن اشاره شد، ضروری می‌نماید.

امید است که کتاب علاوه بر غنی‌بخشی به ادبیات توسعه کشاورزی - فرایند یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در ایران - یکی از منابع اثربخش در شناسایی اهمیت فرایند یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی برای دانشگاهیان، محققان و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم کشاورزی (خاک‌شناسی، آبیاری، ترویج، اقتصاد کشاورزی، توسعه روستایی) و علوم جغرافیایی (برنامه‌ریزی روستایی، ژئومورفولوژی، هیدرولوژی) و علوم اقتصادی باشد و به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعه اقتصادی و اجتماعی و محیطی نیز در دستیابی به اهداف خویش کمک و مساعدت نماید و به سهم خویش موجب توجه به واقعیتها در سازمانهای مسؤول توسعه کشاورزی و روستایی ایران در مورد این موضوع و پدیده مهم گردد. در خاتمه لازم می‌داند از دست‌اندرکاران و مدیران سازمان سمت، بویژه آقای دکتر حسین شکویی و سرکار خانم دکتر پروانه شاه‌حسینی، که با همت و تلاش خویش، موجبات چاپ و انتشار این کتاب را فراهم آوردند، سپاسگزاری کنم و توفیق افزونترشان را در ادامه خدمات علمی و فرهنگی آرزو کنم.

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری

شهریور ماه 1382